

## تحلیل گفتمان پوشش زن در ایران معاصر با تأکید بر نظریه تعادل جنسیتی

مهدی تکلّو\*، صفورا سادات امین جواهری

[Mim.te3@gamil.com](mailto:Mim.te3@gamil.com), [87tahoora@gmail.com](mailto:87tahoora@gmail.com)

پوشش مقوله‌ای فرهنگی است؛ زیرا از دیرباز فرهنگ‌ها در صورت‌بندی معنا و اشکال عینی پوشش نقش داشته‌اند. در ایران معاصر، پیرو تحولات تاریخی و معادلات غربی جهانی‌شدن، پوشش زنان اهمیت ویژه‌ای یافت و این اهمیت پیوند وثیق‌تری با هویت زنان پیدا کرد. از این رو، در این مقاله ذیل مباحث جامعه‌شناسی جنسیت و با تأکید بر نظریه تعادل اجتماعی جنسیت، پوشش زن ایرانی را به لحاظ گفتمانی و در ساحت تاریخ اجتماعی تحلیل می‌کنیم. در واقع، می‌خواهیم ببینیم چطور معانی گوناگون از این مفهوم با تجزیه‌ی جنسیتی در گفتمان‌های مختلف طرد، جذب، تقویت یا تضعیف شده‌اند. سه گفتمان مدنظرمان است: ۱. گفتمان مذکر مُد؛ ۲. گفتمان مذکر تحجر؛ ۳. گفتمان متعادل انقلاب اسلامی. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که در طول تاریخ معناپردازی‌های هژمون‌شده از مقوله‌ی پوشش زن اولاً همواره به معنایی جنسی و با تأکید بر خواست، میل و منظر مردانه بوده و ثانیاً این معانی از پوشش که با امر جنسی گره خورده، همواره زیست زن مسلمان ایرانی را با چالش‌های متعدد مواجه نموده است. هم‌چنین نشان داده می‌شود که در گفتمان سوم یعنی گفتمان انقلاب اسلامی به رغم دو گفتمان مذکر دیگر، زنان در مرکزیت معناپردازی پوشش و حجاب قرار دارند و این مقوله را به نحوی متعادل با هویت خود گره می‌زنند.

کلمات کلیدی: پوشش، حجاب، تحلیل گفتمان، انقلاب اسلامی، تعادل جنسیتی